

پروژه GAP آتشی زیر خاکستر (سد سازی‌های بی‌رویه در آناتولی ترکی)

معاونت فنی و حسابرسی امور عمومی و اجتماعی

حسابرسی زیست محیطی و توسعه پایدار

مهتاب عصاری

پروژه GAP آتشی زیر خاکستر

(سد سازی‌های بی‌رویه در آناتولی ترکیه)

مهتاب عصارى: هیات حسابرسی زیست محیطی و توسعه پایدار

چکیده: ایرانی‌ها برای نخستین بار در اواخر دهه ۸۰ با پدیده نامیمون ریزگردها به شکلی محسوس روبرو شدند. در بروز بحران پیش آمده سه عامل افزایش گرمای جهانی، تغییر اقلیم منطقه‌ای، و سوء مدیریت منابع زیستی و به ویژه آب به شدت محسوس است. زمانی این موضوع از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد که متوجه گردیم که سدهای ایجاد شده در طی چهاردهه گذشته بر روی رودهای بین‌المللی دجله و فرات منجر به کاهش سه چهارم آب ورودی به عراق شده و به آرامی منطقه جنوب غرب آسیا را در معرض آسیب‌های زیست محیطی و تنش قرار می‌دهد. بروز آلودگی هوا بواسطه ریزگردها نیز تا اندازه‌ای منتج از این امر می‌باشد. در مقاله حاضر سعی شده تا به صورت اجمالی، موضوع مذکور را از دید سدسازی‌های افراطی در کشورهای آسیای جنوب غربی به ویژه در سه کشور ترکیه، سوریه، و عراق بررسی نماییم.

واژگان کلیدی: سد سازی‌های بی‌رویه، رودهای بین‌المللی دجله و فرات، ریزگردها، تنش منطقه‌ای

مقدمه

در طی صده اخیر، کره زمین به طور محسوس و در حدود یک درجه سلیسیوس گرم تر شده است که این امر ناهنجاری‌های اقلیمی و زیست محیطی گسترده‌ای را در پی داشته و خواهد داشت. کاهش بارندگی‌ها و تبدیل بارش‌ها از برفی به بارانی و در پی آن کاهش منابع آب‌های زیرزمینی و رواناب‌ها، بروز خشکسالی‌های گسترده‌ای به ویژه در عرض‌های میانی زمین که جنوب غرب آسیا نیز در آن محاط است، از جمله تبعات انکار ناپذیر این موضوع می باشد. این امر زمانی حائز اهمیت می‌گردد که با توجه به آمار منتشره از سوی ناسا از این واقعیت تلخ آگاهی یابیم که در خلال سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ مجموع آب‌های شیرین دو رودخانه دجله و فرات بیش از ۱۱۴ کیلومتر مکعب کاهش یافته است که می توان گفت این رقم کاهش پس از میزان تقلیل در آب‌های شیرین هندوستان دومین کاهش مشهود در سطح جهان می‌باشد. از سوی دیگر عمده کشورهای جنوب غرب آسیا در زمره کشورهای در حال توسعه می باشند که در آنها عدم تعادلی شدید میان توسعه و ظرفیت‌های روبه افول طبیعی وجود دارد. از یک سو، مهار غیر اصولی برخی رواناب‌ها در جهت بهره‌برداری‌های صنعتی و مصارف کشاورزی به شیوه سنتی به خشک شدن برخی از دریاچه‌ها، تالاب‌ها و رودخانه‌ها در این منطقه منجر شده است؛ و از سوی دیگر افزایش آلودگی‌های زیست محیطی ناشی از صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه و به تبع آن افزایش مصرف سوخت‌های فسیلی و اهمال در حفظ منابع طبیعی نظیر جنگل‌ها سبب دامن زده به وضعیت موجود و ایجاد معضلی جدید به نام ریزگرد در ایران شده است. در حقیقت ریزگردها محصول نامیمونی از ترکیب ذرات ریز گرد و غبار با آلاینده‌های صنعتی موجود و ترکیب آن با گرد و غبار منتج از خشکی خاک و افزایش بیابان‌ها می‌باشد که متأسفانه هم‌اکنون دامنگیر استان‌های غربی کشور به ویژه خوزستان شده است تا جایی که اهواز، مرکز استان خوزستان، به عنوان یکی از آلوده‌ترین شهرها در جهان شناخته شده است. منبع خارجی ریزگردهای مذکور در ایران کشورهایی مانند عراق، عربستان و بخش‌هایی از سوریه است.

از سوی دیگر سدسازی‌های صورت گرفته توسط کشورهای ترکیه، سوریه و عراق بر روی دجله و فرات باعث شده که ورودی آب این دو رود به شدت کاهش و در نتیجه خشکی زمین رسوب‌های ریزدانه‌ای مناطق خشک شده از سطح زمین جدا شده و تحت تاثیر جریان‌های جوی در ارتفاع معینی حرکت و به سمت غرب ایران بیاید.

شرایط عمومی حاکم بر خاورمیانه

عمده بخش‌های خاورمیانه در زمره کشورهای در حال توسعه و با رشد جمعیتی فزاینده می‌باشند و استفاده از آب برای آبیاری در کشاورزی و در صنایع، سبب افزایش تقاضا برای استفاده از آن در این مناطق گردیده و از سوی دیگر کمیت و کیفیت آب شیرین در این مناطق را به شدت تحت شعاع خود قرار داده است. پیش‌بینی تکان دهنده ناسا در این مورد نیز موید توجه به مسئله حیاتی مدیریت آب در این مناطق می‌باشد. بر اساس گزارش ناسا به دلیل شرایط لایه اوزون و همچنین انحراف زمین به میزان یک میلیونم درصد از مسیر چرخشی خود به دور خورشید ۴۵ کشور جهان که ایران نیز در مقام چهارم این فهرست قرار دارد در معرض خشکسالی قرار می‌گیرند و در صورت عدم ذخیره آب و مصرف مقتصدانه آب در آینده‌ای نه چندان دور در معرض نابودی و محو زیست محیطی قرار خواهند گرفت. از سوی دیگر بر اساس همین گزارش در حالی که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۴۵ تقاضای مصرف آب شیرین در خاورمیانه ۶۰٪ افزایش یابد، اما طبق مطالعات صورت پذیرفته میزان آب شیرین موجود حتی به رقمی ۱۰٪ کمتر از میزان کنونی خواهد رسید و این امر خود منجر به تنش‌هایی در زمینه آب شده و می‌شود و احتمال بروز جنگ در این مناطق را افزایش می‌دهد (به عنوان مثال ترکیه و دو کشور همسایه‌اش در جنوب یعنی عراق و سوریه، از دهه ۱۹۶۰ میلادی در سطح دولت‌ها با یکدیگر بر سر منابع آب درگیر مناقشه بوده‌اند). این در حالی است که شرایط ناپایدار سیاسی حوزه خاورمیانه و ظهور گروه‌های افراطی نظیر داعش، فقدان آگاهی مردم حتی ساکنین مناطق با ثبات و امنیت سیاسی سبب به حاشیه رانده شدن توجه به اهمیت مدیریت آب شیرین به عنوان عنصر حیاتی در توسعه می‌شود.

دجله و فرات: شریان‌های حیاتی جنوب غرب آسیا

دجله و فرات را می‌توان به نوعی دو شریان حیاتی برای توسعه و تداوم حیات در کشورهای ترکیه، سوریه، عراق و جنوب غرب ایران قلمداد نمود. فرات بزرگ‌ترین رود در غرب آسیا، ۲۹۰۰ کیلومتر، است. این رود از تلاقی دو رود کار/۴۵۰ کیلومتر) و مرآت (۶۵۰) در کوهستان‌های ارمنستان سرچشمه گرفته و پس از این که در ترکیه نیمه کوهستانی به بلوغ و

بالتدگی رسید وارد سوریه شده و آخرین مراحل تکامل را سپری کرد، از غرب عراق و از شهر قائم وارد خاک این کشور شده و بعد وارد استان الانبار می‌شود و ضمن گذر از استان بابل و شهر حله، وارد استان‌های کربلا، نجف، دیوانیه، سماوه و ناصریه می‌شود و پس عبور از تالاب‌های جنوبی عراق، به دجله می‌ریزد. طول این رودخانه در عراق ۱۱۶۰ کیلومتر است. جالب است که بدانیم حدود ۹۰٪ آب رود فرات از خاک ترکیه و ۱۰٪ مابقی آن در سوریه تامین می‌شود. از سوی دیگر دجله نیز با ۱۹۰۰ کیلومتر، سی و هشتمین رود بزرگ جهان، از دامنه‌های جنوبی رشته‌کوه توروس در شرق ترکیه سرچشمه می‌گیرد و پس از ورود به کشور عراق از میان شهرهای بزرگی چون بغداد و موصل عبور کرده و در جنوب شرق این کشور پس از الحاق به رود فرات و ایجاد منطقه بین‌النهرین به کارون پیوسته و منطقه اروند رود را تشکیل می‌دهند و در انتها به خلیج فارس سرازیر می‌شوند.

جالب است بدانیم که به لحاظ جغرافیایی عراق خشک‌ترین کشور بستر دجله و فرات محسوب می‌شود و به نوعی دجله و فرات نبض تپنده این کشور محسوب می‌گردد؛ به طوری که بیش از ۸۵٪ از آب شیرین مصرفی کشور عراق از دجله و فرات تامین می‌شود. از سوی دیگر ترکیه به واسطه برخورداری از موقعیت مطلوب جغرافیایی و بهره‌مندی از رودهای متعدد از میزان ذخایر نسبتاً مطلوبی برخوردار می‌باشد و در گامی رو به جلو، این کشور در جهت بهره‌مندی هر چه بیشتر منابع آبی مذکور اقدام به احداث سدهای متعددی نموده است. (در ترکیه ۵۰۳ سد تحت مدیریت اداره کل امور آب ترکیه وجود دارد که از این تعداد، ۲۰۳ سد جزء سدهای بزرگ بشمار می‌روند و بقیه آنها سدهای کوچک می‌باشند.) از سوی دیگر ترکیه ۲۸٪ از ذخایر آب شیرین داخلی خود را مدیون آب‌های دو رودخانه بین‌المللی دجله و فرات می‌باشد که مسلماً باید قوانین رودهای بین‌المللی برای استفاده از آنها اعمال گردد و منحصراً تحت حاکمیت داخلی نمی‌باشند. براساس مواد پنج، شش و هفت "کنوانسیون حقوق استفاده‌های غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی سال ۱۹۹۷ سازمان ملل" کشورهای بالادست رودهای بین‌المللی حق احداث و اجرای پروژه‌های زیربنایی آبی را در بالادست رودخانه، به طوری که سبب بروز مشکلات و آسیب‌های جدی به کشورهای پایین دست شوند را ندارند. اما ترکیه در ده‌های اخیر با احداث سدهایی بر روی این دو رودخانه و به ویژه فرات سبب اعتراضاتی در دو کشور سوریه و عراق شده است.

نگاهی به سد سازی‌های صورت گرفته در چهاردهه اخیر در سه کشور ترکیه، سوریه و عراق

کبان، نمونه بارزی از سدهایی است که در سال ۱۹۷۵ با هدف تولید انرژی الکتریکی از سوی ترکیه و در ابتدای مسیر فرات افتتاح گردید. از سوی دیگر کمی پیش از بهره‌برداری از کبان یعنی در سال ۱۹۷۳ کمی جلوتر در مسیر فرات و در کشور سوریه بزرگترین سد این کشور با نام طبقه(اسد) با کمک جماهیر شوروی به اتمام رسید و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. بهره‌برداری نسبتاً همزمان از سد کبان در ترکیه و سد اسد در ترکیه به کاهش شدید آب ورودی فرات از ۱۵.۳ کیلومتر مکعب در سال ۱۹۷۳ به ۹.۴ کیلومتر مکعب در سال ۱۹۷۵ به عراق منجر شد. در نتیجه این امر عراق ارتش خود را به کرانه رود فرستاد و سوریه را تهدید به بمباران سد نمود، که با میانجی‌گری عربستان سعودی و تعهد مشترک ترکیه و سوریه مبنی بر ورود ۶۰٪ از آب فرات به این کشور اندکی از تنش کاسته شد. اما این آغاز کار بود. زیرا ترکیه از سال ۱۹۷۷ در قالب پروژه GAP اقدام به سدسازی‌های متعددی در مسیر دجله و فرات نمود. در این طرح بلندپروازانه مدیریتی آب، ترکیه سعی نمود با انحراف جریان آب دجله و فرات اقدام به ایجاد ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه آبی نماید که آب مورد نیاز ۱/۷ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی را با حجم ذخیره مخزن ۳۲ میلیارد متر مکعب تامین نماید و این امر خود موضوع بهره‌برداری آب‌های دجله و فرات را به آتشی زیر خرمین تبدیل نمود. هرچند، در سال ۱۹۸۰ ترکیه طبق معاهده ای پذیرفت تا حداقل دبی ۵۰۰ متر مکعب بر ثانیه از آب رود فرات را برای دو همسایه سوریه و عراق تامین کند، اما عملاً این امر تحقق نیافت. در قالب همین پروژه در سال ۱۹۹۲ سد آتاتورک با حجم مخزن ۳۰ میلیارد متر مکعب ساخته شد. سد آتاتورک که در مرز در جنوب شرقی خاک ترکیه و در مسیری بعد از سد کبان ساخته شده امروزه به عنوان بزرگ‌ترین سد خاورمیانه و نهمین سد بزرگ دنیا شناخته شده و از پتانسیل حبس تمامی آب فرات در پشت مخازن خود برخوردار است. این درحالی است که در مرحله اول آب‌گیری این سد، زمانی که ترکیه به سوریه و عراق اعلام نمود که قصد دارد برای یک ماه جلوی مسیر این رود را ببندد، خشم هر دو کشور برانگیخته شد. در هر صورت از زمان احداث سد مذکور حجم عظیمی از آب در پشت آن مهار می‌شود که به نارضایتی دو کشور سوریه و عراق دامن زده است. هرچند هم‌اکنون این سد به چنان اهمیتی دست یافته که به بخشی از هویت لاینفک جمعی و غرور ملی مردم ترکیه بدل گشته است و امکان بازپس‌گیری و به حداقل رسانی

ذخیره آب آن برای مردم ترکیه امکان ناپذیر و یا حداقل بسیار دشوار است. چنانچه در خلال سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ تصویر این سد بر پشت اسکناس‌های یک لیره‌ای ترکیه چاپ گردید.

علاوه بر آنچه گفته شد، سدهای کاراکایا (سال تکمیل سد ۱۹۸۷) که موجب نگرانی هر دو کشور سوریه و عراق شد؛ سد بیرجیک (سال تکمیل سد ۲۰۰۱)؛ و سد کاراکامیش (که ساخت آن از سال ۱۹۹۶ آغاز شد) همه از مجموعه سدهای پروژه GAP می‌باشند که به تقلیل هر چه بیشتر ورودی آب فرات کمک می‌کنند.

سد لیسو از مجموعه سدهای پروژه GAP می‌باشد که ساخت آن از سال ۲۰۰۶ آغاز و مراحل پایانی ساخت خود را طی می‌کند. یک منبع آگاه در وزارت نیروی عراق می‌گوید: «در صورت تکمیل سد لیسو آب وارد شده به عراق که بالغ بر ۹۳/۲۰ میلیارد متر مکعب در سال است به ۷/۹ میلیارد متر مکعب خواهد رسید. ضمناً ساخت این سد موجب خواهد شد که ۶۹۶ هزار هکتار از اراضی زراعی عراق از آبیاری محروم شوند. از سوی دیگر سدهای دیگری همانند کراکیز (در سال ۱۹۸۵ تکمیل گردید)؛ دویجسید (در سال ۱۹۷۲ تکمیل گردید)؛... که در قالب پروژه GAP بر روی دجله ساخته شد به تقلیل هر چه بیشتر آب دجله کمک می‌کند.

نکته جالب توجه این است که پروژه GAP چنان به محیط زیست آسیب می‌رساند که محافل زیست محیطی در داخل ترکیه نیز دست به اعتراضاتی زدند زیرا که در داخل خاک ترکیه منجر به زیر آب رفتن و محو برخی آثار باستانی و کوچ اجباری برخی اقوام می‌شود؛ به عنوان مثال در صورت تکمیل سد لیسو بر روی دجله، مساحتی بالغ بر ۳۰۰ کیلومتر مربع را از بین خواهد رفت و حدود ۵۵۰۰ نفر که بیشتر آنها از کردهای جنوب شرق آناتولی هستند، آواره خواهند شد که مجموعه این عوامل به همراه اعتراض های عراق و سوریه نیز موجب گردید که کشورهای کمک کننده مالی به این طرح و نیز بانک جهانی دست از حمایت مالی از این پروژه برداشته و خود ترکیه به تنهایی متحمل هزینه‌های احداث آن گردد.

از سوی دیگر رود فرات پیش از ورود به عراق، مسیری ۷۱۰ کیلومتری را در سوریه می‌پیماید و به تبع، سوری‌ها از آن بهره‌برداری می‌کنند. فرات قبل از ورود به عراق استان‌های الرقه و دیرالزور در سوریه را سیراب می‌کند. از نظر دولت سوریه رود فرات نقش اساسی در تأمین نیروی برق مورد نیاز کشور و آبیاری زمین‌های کشاورزی منطقه فرات را برعهده دارد، بنابراین سدهایی بر روی این رود احداث شده است. به عنوان نمونه، سد اسد (بزرگ‌ترین سد سوریه که در سال ۱۹۷۳

تکمیل شد)؛ و سدهای بعث و تشرین(مراحل ساخت آن در سال ۱۹۹۹ به اتمام رسید و در جهت حفظ سد اسد در پایین گذر آن ایجاد شده) و سد حلب(هنوز به بهره‌برداری کامل نرسیده است) در مسیر رود فرات قرار دارند به کاهش ورودی آب این رود به عراق می‌انجامد.

از سوی دیگر بیش از ۸۵٪ از آب شیرین مصرفی کشور عراق از دجله و فرات تامین می‌شود و چنانچه مشاهده شد سدسازی‌های بیش از اندازه دو کشور مذکور و به ویژه ترکیه موجب خشکی‌های شدیدی در عراق شده است، چنانچه وزارت منابع عراق مجبور شد علاوه بر سدهای موجود در این کشور، در خلال سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ اقدام به حفر ۲۲۰۰ حلقه چاه جدید نماید تا به این طریق بتواند کمبود آب شرب و کشاورزی در عراق را جبران کند. این میزان حفر چاه تقریباً دو برابر چیزی است که تا سال ۲۰۰۸ در عراق وجود داشته است. بر اساس گزارش ناسا در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ مجموع آب شیرین ذخیره شده دو رودخانه دجله و فرات بیش از ۱۱۴ کیلومتر مکعب کاهش داشته است که این رقم کاهش پس از هندوستان دومین کاهش بزرگ منابع آب شیرین در جهان محسوب می‌شود. نکته جالب توجه در این گزارش این است که علت کاهش ۶۰٪ از منابع آب شیرین، حفر بیش از هزاران حلقه چاه عمیق در اطراف بخش عراقی دجله و فرات، ۲۰٪ کاهش نزولات آسمانی (برف)، و ۲۰٪ باقی مانده منتج از هدر رفت آب شیرین در آب‌های سطحی دریاچه‌ها و مخازن این دو رود عنوان شده است.

پیامد حفر چاه‌های بیش از اندازه در عراق، افزایش ضریب خشکی و کاهش رطوبت خاک در اغلب مناطق کشور عراق و خشکی تالاب‌های این کشور و به ویژه مساحت قابل توجهی از تالاب هورالعظیم، هورالحمر و هورالمרכזی و به تبع آن ایجاد ریزگردهایی برای کشورهای مجاور است. به دیگر سخن، کاهش چشمگیر آب ورودی از رودخانه‌های دجله و فرات که ۸۵٪ نیاز آبی مردم عراق را تأمین می‌کند، کاهش نزولات آسمانی و افزایش فشار بر منابع آب زیرزمینی کشور عراق سبب شد تا نه تنها قسمت اعظمی از دو سوم تالاب هورالعظیم که در جنوب عراق و در مجاورت مرز ایران قرار دارد کاملاً خشک شود، بلکه ضریب خشکی و کاهش رطوبت خاک در اغلب مناطق کشور عراق به حدی رسد که منجر به افزایش چشمه‌های تولید گرد و خاک از شش به چیزی بیش از دویست کانون بحرانی در ۲۰ سال گذشته گردد.

هورالعظیم یکی از تالاب‌های بزرگ مشترک میان ایران و عراق می‌باشد که حدود یک سوم آن در ایران و مابقی آن در عراق می‌باشد. با توجه به آنچه تاکنون در مورد پروژه‌های سد سازی های بی رویه سه کشور ترکیه، سوریه، و عراق عنوان شد به نظر می‌رسد که در صورت عدم اقدام فوری بین‌المللی اضمحلال بخش عراقی هورالعظیم دور از ذهن نمی‌باشد. مزید بر اینکه تاکنون تنها ۲۱ درصد از طرح‌های مربوط به آبیاری و ۷۴ درصد از طرح‌های برق آبی پروژه GAP به بهره‌برداری رسیده است و کنترل گروه تروریستی داعش بر بخش‌هایی از عراق و سوریه به تشدید و وخامت وضعیت بهره‌برداری از آب دجله و فرات می‌افزاید و به نظر می‌رسد، تداوم جنگ در سوریه و ناامنی در عراق، اگرچه برای همه کشورهای همسایه خطرناک باشد، اما مولد فرصتی مطلوب برای ترکیه می‌باشد که با فراغ بال از هر گونه احقاق حق کشورهای همسایه؛ در غفلت ایران و ضعف سوریه و عراق و بدون رعایت حقوق پایین‌دستی مقرر در حقوق رودهای بین‌المللی؛ به تکمیل پروژه GAP در کشور خود بپردازد.

ایران طرف ذی‌حق ثالث در قضیه پروژه GAP

اگر چه تا سال ۱۹۷۷ سدها و کانال‌های آبیاری متعددی در حوزه آبریز دجله و فرات در ایران و ترکیه و عراق و سوریه ساخته شد اما بر اساس گزارش‌های سازمان ملل این روند در سه دهه اخیر به شدت افزایش یافته است و بر اساس همین گزارش، دولت ترکیه بیشترین سهم را در سدسازی و مسدودکردن جریان آب دجله و فرات و به عبارتی بروز خشکی در منطقه بین‌النهرین داشته است. این موضوع باید برای ایران به عنوان کشور متضرر ثالث و باثبات از اهمیت بالایی برخوردار گردد زیرا بخشی هرچند اندک از گرد و غبار در خوزستان ناشی از خشک شدن دریاچه ها و تالاب ها در جنوب عراق و همچنین زمین های بادیة الشام در جنوب شرق سوریه است و این امر پیامدهای زیست محیطی و بهداشتی فراوانی را برای سکنه استان‌های مرزی ایران در پی خواهد داشت که در صورت عدم کنترل و مدیریت صحیح آن به مرکز ایران نیز کشیده خواهد شد.

حرکت بطئی تبدیل سدهای ساخته شده به هویت مردم منطقه

پروژه GAP هنوز به اتمام نرسیده و تخمین سال اتمام پروژه مذکور سال ۲۰۲۳ یعنی هشت سال دیگر می‌باشد. پروژه مذکور که همراه نوعی رونق و آبادنی برای مردم کشور ترکیه بوده و به نوعی نویدبخش پیشرفت و نوعی دارایی برای ملتی یکپارچه با حرکت به جلو محسوب می‌گردد به بخش لاینفک دارایی‌ها، غرور و هویت آنها بدل می‌گردد و به نظر می‌رسد که پس از چشیدن طعم رفاه حاصله از منافع آن، جدایی از رفاه حاصله از این سدها، امری بعید باشد. به دیگر سخن، امری باطل به نوعی حق مسلم برای مردم ذینفع ترکیه بدل می‌گردد.

از سوی دیگر مقارن با تکمیل پروژه مذکور، ملت عراق و سوریه که درگیر در نوعی جنگ داخلی می‌باشند به نوعی ثبات و چیرگی نوعی قدرت دست خواهند یافت. مزید بر این که افزایش گرمای زمین نیز به وخامت اوضاع کمک می‌نماید و ممکن است سبب درخواست‌ها، تنش‌ها و در نهایت جنگ میان این سه کشور را فراهم آورد. پس می‌توان گفت کاهش حق‌آبه شدید ایجاد شده بواسطه پروژه GAP زمینه‌ساز تخریب محیط زیست در عراق و سوریه (به طور مستقیم) و ایران (به طور غیر مستقیم) را فراهم می‌نماید.

نتیجه گیری

احداث بیش از حد سد در ترکیه بر روی دو رود بین‌المللی دجله و فرات منافی مواد پنج، شش و هفت "کنوانسیون حقوق استفاده‌های غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی ۱۹۹۷ سازمان ملل" می‌باشد که بر اساس آن کشورهای بالادست حق احداث و اجرای پروژه‌های زیربنایی آبی را در بالادست رودخانه، به طوری که سبب بروز مشکلات و آسیب‌های جدی به کشورهای پایین دست شوند را ندارند. از سوی دیگر پیامد قطعی ایجاد ریزگردهای عربی و ناامنی منتج از این مسئله باید برای ایران به عنوان کشور متضرر ثالث که ممکن است حکمرانی خود در مرزهایش را به علت شرایط زیستی در معرض تهدید ببیند، حائز اهمیت باشد.

پروژه GAP همچنین به نوعی ناقض ماده اول حقوق بشر می‌باشد. ماده اول اعلامیه مذکور مقرر می‌دارد که انسان از حقوق بنیادین برای داشتن آزادی و برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی توأم با سعادت بدهد را برخوردار است. به موجب این اعلامیه، انسان رسماً حفاظت و بهبود محیط زیست را برای نسل‌های حال و آینده به عهده دارد. پس شاید بتوان به نوعی این گونه نتیجه گرفت که پروژه GAP به صورت غیرمستقیم سبب بروز خشکی تالاب‌های دو کشور سوریه و عراق و به تبع آن بروز ریزگردهایی در جنوب ایران شده که زیست، سلامت و شرایط مساوی زندگی برای بخشی از مردم کشورمان را به خطر انداخته و شاید موجب کوچ این مردم به سایر نقاط کشور گردد و در نهایت تهدیدی برای حاکمیت ایران باشد. زیرا حاکمیت عبارت است از حفظ استقلال داخلی و اقتدار بین‌المللی. در چنین فضایی است که ورود دستگاه دیپلماسی به موضوع پدیده گرد و غبار امری ضروری قلمداد می‌گردد تا بواسطه رایزنی نه چندان زود هنگام با ترکیه، این کشور را مجاب به تأمین حق آبه بخش‌های پایین‌دستی دجله و فرات کند. زیرا در صورت اتمام پروژه‌های مذکور و بهره‌مندی مردم ترکیه از حق آبه‌های مازاد، به تدریج بهره‌مندی از این حق ناحق مشتبه برای مردم به صورت امری مسلم و بخشی از هویت ملی مردم ترکیه بدل می‌گردد. به طوری که جدایی از منافع آن برای مردم غیر قابل تصور می‌گردد.

منابع

کد خبر ۱۲۹، ناسا: آغاز دوره ۳۰ساله خشکسالی در ایران, <http://www.parsine.com/fa/news/>,

ترکیه و بحران آبی رودهای دجله و فرات، مرداد ۹۳: [http://www. Rahbin. Com](http://www.Rahbin.Com):

پشت پرده گردو غبار در خوزستان، بهمن ۹۳ : <http://shamsehplus.ir>

http://en.wikipedia.org/wiki/Category:Dams_in_Syria

http://en.wikipedia.org/wiki/Category:Dams_in_Iraq

http://en.wikipedia.org/wiki/Category:Dams_in_Turkey

- کنوانسیون حقوق استفاده های غیر کشتیرانی از آبراه های بین المللی سازمان ملل، ۱۹۹۷

- بیانیه حقوق بشر